



معاونت فرهنگی و اجتماعی
مرکز مشاوره و آموزش های اجتماعی

چالش های میان دانشجو و خانواده بعد از فارغ التحصیلی

بسیاری از دانشجویانی که به منظور تحصیل از شهر، خانه و خانواده خود فاصله می‌گیرند، بعد از دوران فارغ التحصیلی و بازگشت به محیط خانواده، دچار چالش‌هایی می‌شوند. دانشجو در طول چند سال تحصیل خود در شهر دیگر، با استقلال عمل بسیار زیادی مواجه بوده و به مرور زمان سبک زندگی او دچار تغییر شده است؛ لذا وقتی بعد از تغییر سبک زندگی، مجدداً در چهارچوب قوانین خانواده قرار می‌گیرد، دچار چالش می‌شود. از سوی دیگر، خانواده نیز در طول این سال‌ها به زندگی بدون حضور آن فرد عادت کرده‌اند، که این مسأله نیز منشأ ایجاد چالش است. تجربه تمام انسان‌ها از خود، خدا و خلق تشکیل شده است؛ که این خلق، از خانواده شروع می‌شود و در نهایت به مدرسه، دانشگاه، شهر، کشور و کل جهان می‌انجامد. همچنان که شخصیت‌هایی مثل بوعلی سینا، پروفیسور حسابی، انیشتین و غیره، فرا ملی هستند. نکته حائز اهمیت این است که ریشه تربیتی افراد، در خانواده شروع به رشد می‌کند و بعد توسط خود فرد و با توجه به این که چقدر هوشمندانه بتواند روابط جدید را مدیریت کند، به طوری که روابط قبلی آسیب نبیند، ادامه پیدا می‌کند. اگر افراد از کودکی احترام به والدین و بزرگ‌ترها را بیاموزند، جایگاه والدین و احترامشان محفوظ باشد، که این موضوع توسط والدین به کودک آموخته می‌شود، فرزندان از ثبات شخصیتی بهتری برخوردار خواهند بود. همچنین اعتقاد به خدا و توکل بر خدا که امروزه تحت عنوان هوش معنوی مطرح است، یک عامل کنترل درونی قوی برای رویارویی افراد با مشکلات و شناختی که از خود دارند و فهم این مسأله که از زندگی یا کاری که می‌کند چه خواسته‌ای دارد، محسوب می‌شود. همه این عوامل کمک می‌کند که یک انسان، قوی‌تر، مصمم‌تر و منعطف‌تر باشد. حال اگر مهاجرت یا شرایطی برای تحصیل به شهر یا کشور دیگری اتفاق افتد، ممکن است که تغییراتی در بعضی از رفتارهای شخص، رخ دهد؛ ولی اصول تربیتی و اعتقاداتش به راحتی دست‌خوش تحول نمی‌شود. به این ترتیب، فرد همچنان با والدینش در اصول، اشتراک‌هایی دارد که احتمال بروز مشکل را کم می‌کند. در مهاجرت فرزندان از خانواده، ابتدا فرزند با شیوه‌های متفاوت زندگی و البته با استقلال مواجه می‌شود؛ که در ازای این استقلال، خود فرزند است که تصمیم به انتخاب می‌گیرد و سبک زندگی‌اش را انتخاب می‌کند. به عنوان مثال، دانشجویی که برای درس خواندن، از نقطه‌ای دور به تهران آمده است و سبک‌های مختلف رفتاری، پوششی و کلامی را می‌بیند، به مرور زمان تغییراتی در رفتارش دیده می‌شود؛ ولی در نهایت خود را متعلق به خانواده می‌داند. خانواده هم باید این آگاهی را داشته باشد که فرزندشان تا ابد پیرو آن‌ها نیست. فرزند پیرو خدا، عقل سلیم، وجدان و ارزش‌هایی است که قبلاً در او نهادینه شده است. گاهی اوقات، خانواده‌ها ناخواسته به تغییرات و بد خلقی‌ها دامن می‌زنند. وقتی دانشجو از مهاجرت باز می‌گردد، قدری تغییر در فرزند طبیعی است. خانواده حتی اگر با تغییرات زیاد هم مواجه شود، نباید بترسد و دائماً به فرزند جوان خود نگویند که تغییر کرده‌ای و او را مورد تمسخر قرار ندهند و با تحقیر یا تمسخر به خشم یا لجاجت فرزند خود، دامن نزنند. خانواده‌ها باید سعی کنند که در کنار فرزندشان باشند و هنگامی که فرزندشان از آن‌ها دور است، مرتب با او در ارتباط باشند. شب بخیر و صبح بخیر گفتن و یا احوال‌پرسی منظم، از جمله کارهایی است که می‌توانند انجام دهند. باید توجه داشت که از کنترل اجتناب شود؛ اما نظارت و پیگیری توصیه می‌شود. اعتقادات معنوی و مذهبی، مثل یک پلیس درونی موجب کاهش بروز خطاهای احتمالی است. افرادی که باور خدایی دارند، کمتر در معرض خطر قرار دارند. تغییرات در ظاهر زندگی و تفاوت فرزند به لحاظ فکری، امری طبیعی است و والدین از این چنین تغییراتی نترسند و بدانند، فرزندان حق دارند که به شیوه‌های متفاوت فکر کنند؛ اما اگر متفاوت بودن به خود یا اطرافیان آسیب بزند، خانواده باید خیلی قاطع برخورد کرده و فرزند را آگاه کنند. ضمناً خانواده‌ها در آغاز هجرت فرزند و در مدت زمانی که فرزندشان برای تحصیل مهاجرت می‌کند، به فرزند خود یادآوری کنند که در نهایت خانه اصلی او اینجا است و همیشه مشتاق دیدارش هستند. تفاوت نگاه فرزند به دنیا نسبت به والدین، کاملاً طبیعی و حتی یکی از مقدمات تشکیل زندگی جدید و انگیزه‌ای برای یافتن همسر است؛ لذا والدین نباید از این مسأله بترسند.